

تأثیر شاهنامه چاپ ۱۲۶۶ ق بر آثار آقا لطفعلی صورتگر در شاهنامه داوری

مهدی مرادی شورچه

با ورود چاپ سنگی به ایران در میانه سده سیزدهم هجری، صنعت کتاب سازی و کتاب آرابی که در حال زوال و نابودی بود، وارد عرصه جدیدی شد و حیاتی دوباره یافت. به مدد تکنیک چاپ سنگی، کتاب سازان و هنرمندانی که در زمینه استنساخ مشغول به کار بودند توانستند برای مدتی دیگر - در حدود نیم قرن - این سنت دیرینه و ریشه دار را همچنان زنده نگاه دارند. چاپ سنگی

نسبت به چاپ سربی - که کمی پیش تر این اجازه را می داد تا در موقعیت جدیدی بود، کار خود را همچون گذشته ادامه چاپ سنگی منتشر می شد ادامه همان دستی نسخه پردازی می شد. «همه فنون دنباله روی هنرهایی است که ابتدا در کتب



و تمام صنایع و فنون کار تزئین کتاب یکسره آرایش کتاب های خطی به دلیل اصل بودن، مستقیماً بوسیله هنرمندان پرداخته می شود و رنگ آمیزی می گردد. اما در چاپ سنگی به علت امکانات محدود چاپ و تکنیک آن، بقیه خصوصیات همچنان حفظ می گردد و فقط رنگ است که کنار می رود»^۱. بدین شکل مصورسازان، نسخه های خطی را الگوی خود قرار می دادند و اولین نسخه هایی که به روش چاپ سنگی منتشر می شدند برگرفته از همین تک نسخه ها بودند.

صنعت چاپ، کتاب را از انحصار عده ای خاص و اندک خارج کرد و در اختیار عموم مردم قرار داد. علاوه بر مزایایی که از قرار گرفتن متون در دسترس عامه مردم نصیب جامعه می شد، به واسطه کتاب های چاپی مصور، نگاره ها و تصاویر کتاب های خطی نیز که از منظر عموم پنهان بود و تنها عده ای خاص بدان ها دسترسی داشتند، به دست مردم و کوچه و بازار رسید. این امر سبب ترویج هر چه بیشتر هنرهای تصویری و حضور بیشتر سنت نقاشی ایرانی در کل جامعه ایرانی شد.

در ادامه سعی می شود تا با ارائه شواهدی، تأثیر پذیری یکی از نقاشان دوره قاجار از مصورسازی های کتب چاپ سنگی بررسی شود. به احتمال قوی آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، نقاش دوره قاجار، یکی از هنرمندانی است که از تصاویر کتاب های چاپ سنگی بهره برده است.

آقا لطفعلی صورتگر شیرازی احتمالاً در سال ۱۲۲۲ هجری قمری در شیراز متولد شد و در سال ۱۲۸۸ هجری قمری در همان جا درگذشت و در گورستان امام شهر شیراز، پشت چارطاقی مشیر به خاک سپرده شد. او بیشتر عمر خود را در شیراز گذراند، مدتی مقیم تهران بود و سفری به قفقاز و گرجستان کرد. آثار او تاریخ هایی میان سال ۱۲۵۱ تا ۱۲۸۸ هجری قمری را دارند. در سال های فعالیتش در زمینه نقاشی، تعداد قابل توجهی نقاشی آبرنگ گل ها و پرندگان و همچنین تعداد زیادی جلد کتاب و قلمدان و قاب آیینه نقاشی کرده است که در موزه ها و مجموعه های مختلف داخلی و خارجی پراکنده اند. نقاشی های آبرنگ متعددی هم از صورت زنان و مردان ساخت.

اما مهم‌ترین مجموعه کار او، پنجاه و پنج نقاشی مجلسی مفصل از داستان‌های شاهنامه فردوسی است که بین سال‌های ۱۲۷۳ تا ۱۲۸۰ هجری قمری برای کتاب شاهنامه داوری ساخت.^۲

او در مصورسازی شاهنامه داوری از دومین نسخه چاپ سنگی شاهنامه که به سال ۱۲۶۶ هجری قمری در بمبئی هندوستان چاپ شده، متأثر بوده است. این نسخه که دومین نسخه هندی نیز هست، «با تصویرگری شخصی به نام علی اکبر، از الگوهای تصویر سازی نخستین نسخه هندی پیروی نمی‌کند. با اینکه کنش‌های به تصویر در آمده یکسان هستند، نقاش در اغلب موارد روش متفاوتی را در به تصویر کشاندن ویژگی‌های کلی و یا صحنه‌های ویژه به کار می‌گیرد.»^۳ گفتنی است نخستین نسخه چاپ سنگی شاهنامه در سال ۱۲۶۲ هجری قمری در شهر بمبئی هندوستان و به دست تصویرگری ناشناس به چاپ رسید. ذکر این نکته ضروری است که دو نسخه نخست هندی دو شیوه متفاوت از تصویرگری شاهنامه را رواج دادند که بعدها به وسیله تصویرگران ایرانی شاهنامه دنبال شدند.

شاهنامه داوری نیز به همت هنرمندان شیرازی محمد داوری، فرهنگ برادر داوری، آقا لطفعلی صورتگر، میرزا آقا نقاش و میرزا یوسف مذهب‌باشی ساخته و تهیه شده است. شاهنامه داوری را محمد داوری بی هیچ سفارش و به همت شخصی خود ساخته است. او از خانواده معروف و هنرمند وصال وسومین فرزند محمد شفیع وصال شیرازی است. این شاهنامه در مدتی نزدیک به ده سال تهیه شده است. «کتابت شاهنامه داوری در سال ۱۲۶۹ هجری قمری آغاز شده و در سال ۱۲۷۴ هجری قمری به پایان رسیده است. آخرین نقاشی آقا لطفعلی در این شاهنامه تاریخ ۱۲۸۰ هجری قمری را دارد و از شصت و هشت نقاشی آن پنجاه و پنج نقاشی کار آقا لطفعلی، دوازده نقاشی کار محمد داوری و یک نقاشی احتمالاً کار برادر داوری، فرهنگ است. تمامی شاهنامه به خط نستعلیق داوری پسر وصال شیرازی است.»^۴ در این میان نخستین تاریخی که در کنار رقم آقا لطفعلی مشاهده می‌شود سال ۱۲۷۳ هجری قمری است. نخستین دلیل برای اثبات تأثیر پذیری آقا لطفعلی صورتگر از این نسخه چاپی شاهنامه، تاریخ‌هایی است که در کنار ارقام آثار او



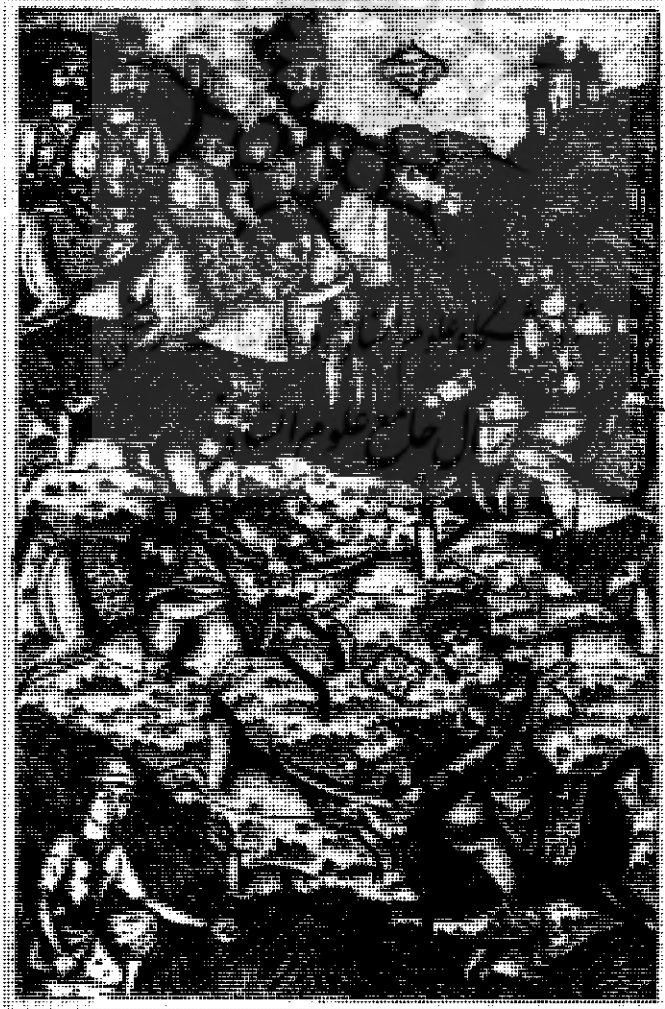
هجری قمری تا ۱۲۸۰ هجری قمری دومین شاهنامه چاپی به سال ۱۲۶۶ اما در مطالعه و تطبیق نگاره‌های این صورتگر به ظن قوی، در ساختن ۱۲۶۶ هجری قمری تأثیر پذیرفته در شاهنامه داوری این‌گونه توصیف و سنت نقاشی‌های متقدم کار شده است، بشود دست و پاگیر.^۵ آقا لطفعلی صورتگر، نقاشی است که به سنت پایبند است و ادامه دهنده راه گذشتگان خود است، اما در این رویکرد خود به سنت نقاشی ایرانی، از نقاشی‌های متأخرتر بهره می‌جوید. نقاشی‌های او در شاهنامه داوری بیش از آنکه نگاره‌های مکتب اصفهان را تداعی کند، یادآور نقاشی‌های قاجاری است. «در قیاس با مجالس شاهنامه‌های عصر شاه طهماسب صفوی، شاید این نقاشی‌ها خام دستانه و یا حتی قدری مضحک به نظر بیایند. اما با قرار دادن این مجموعه در متن شیوه مرسوم آن دوران و به کارگیری زیبایی‌شناسی نقاشی ایرانی قرن سیزدهم هجری قمری، نقاشی‌های آقا لطفعلی با اطمینان سرپای خود می‌ایستند.»^۶ تأثیر پذیری آقا لطفعلی صورتگر از مصورسازی‌های شاهنامه چاپ ۱۲۶۶ هجری قمری را در طراحی حالات و حرکات و حتی ترکیب بندی نگاره‌های شاهنامه داوری می‌توان مشاهده کرد.

مجلس «سیاوش در شکار گور» در شاهنامه داوری (تصویر ۱) در کادری افقی و در شاهنامه چاپ ۱۲۶۶ هجری قمری (تصویر ۲)، در کادری عمودی نقاشی شده است. در هر دو نگاره روایت داستان به یک صورت است: سیاوش سوار بر اسب در حالی که با شمشیر ضربه‌ای بر گور که در حال دویدن است وارد کرده و افراسیاب، سوار بر اسب نظاره گر داستان است. طراحی سیاوش و گور در نگاره شاهنامه داوری همانند همان صحنه در نگاره چاپ ۱۲۶۶ هجری قمری است. حالت دویدن و ترتیب قرار گرفتن پاهای اسب و گور در هر دو نگاره خطی و چاپی یکی است.

در مجلس «نبرد رستم و اشکبوس» موجود در نسخه‌های مورد بحث، شباهت‌هایی را می‌توان دید. در این مجلس پایان نبرد رستم و اشکبوس به تصویر در آمده است؛ تیری که از کمان رستم پرتاب شده به سینه اشکبوس اصابت کرده و او را از پای درآورده است. در نگاره شاهنامه داوری (تصویر ۳) رستم در سمت چپ و اشکبوس در سمت راست تصویر شده اما در نگاره شاهنامه چاپی (تصویر ۴) جای این دو پیکره عوض شده است. نگاره شاهنامه ۱۲۶۶



تصویر ۱



تصویر ۲

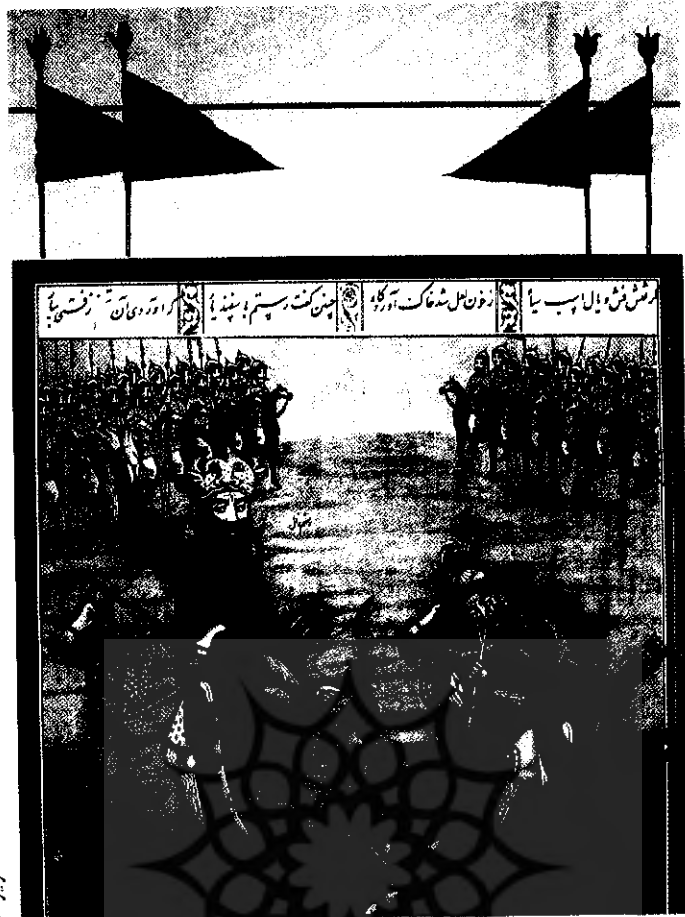


ت. ۲۱۹۰



ت. ۲۱۹۰

۱۱۱



تصویر ۵

الله خلیل



تصویر ۶



Y. 2000



A. 2000



تصویر ۱۰

آیه خلیل



تصویر ۱۰

هجری قمری بر خلاف نگاره شاهنامه داوری، بسیار پر جزئیات و شلوغ است. در این دو نگاره نیز شباهت‌هایی در طراحی حالت‌ها و شخصیت‌ها وجود دارد. اگر چه موقعیت پیکره رستم و اشکبوس در دو نگاره خطی و چاپی عکس هم است، اما طراحی این دو پیکره در نقاشی آقا لطفعلی شباهت بسیار زیادی به نسخه چاپی هندی دارد، حالت‌ها یکی است و تنها موقعیت پیکره‌هاست که تغییر می‌کند و در نسخه خطی فاصله بین دو پهلوان از میان برداشته می‌شود.

این شباهت در طراحی عناصر را در مجلس دیگری که در هر دو شاهنامه داوری (تصویر ۵) و شاهنامه چاپی (تصویر ۶) وجود دارد نیز می‌توان مشاهده کرد. در مجلس «نبرد رستم و اسفندیار» در حالی که هر دو پهلوان سوار بر اسب در حال تاختن هستند، تیر دو سری که رستم از کمان پرتاب کرده به چشمان اسفندیار اصابت کرده و پایان کار او را رقم زده است.

ترکیب بندی در هر دو نگاره تقریباً یکسان است، پیکره‌ها در کادری عمودی نقاشی شده و خط افق بالاست، اما در نگاره شاهنامه داوری عناصری در زمینه قرار گرفته‌اند که در نگاره نسخه چاپی وجود ندارند. در نقاشی آقا لطفعلی صورتگر، اسفندیار و اسبش از حیث طراحی شباهت بسیاری با همان پیکره در نسخه چاپی مورد بحث دارند. حالتی که رستم کمان را در دست گرفته در هر دو نگاره یکی است با این تفاوت که جهت حرکت رخسار در دو نگاره متفاوت است. در نقاشی لطفعلی جهت حرکت اسب رستم به بیرون از چارچوب تصویر است اما در نگاره چاپی جهت حرکت هر دو اسب به سمت مرکز تصویر است.

در مجلس «گشتاسب ازدها کش» اگرچه نگاره شاهنامه داوری اندکی کشیده تر است و جهت تصویر عکس نگاره خطی است، اما هر دو نگاره خطی (تصویر ۷) و چاپی (تصویر ۸) تقریباً از ترکیب بندی مشابهی برخوردارند و بیشترین تفاوت در جزئیات به چشم می‌خورد. شیوه آقا لطفعلی در طبیعت پردازی و ساختن پس زمینه و همچنین جزئیات لباس‌ها با آنچه در نگاره چاپی به چشم می‌خورد، متفاوت است. همچنین تفاوت زیادی بین دو

و مرکبش از حیث طراحی و حالت در هر دارند. حالت تاختن و ترتیب قرار گرفتن و افسار اسب توسط گشتاسب عیناً در



مجلس «بهرام گور و گلندام» است. این لطفعلی صورتگر شیرازی در مصور سازی نسخه چاپ شده شاهنامه به شیوه چاپ

ازدهای نگاره‌ها وجود دارد. اما گشتاسب دو نسخه شباهت بسیار زیادی به هم پاهای اسب، طرز دست گرفتن شمشیر نگاره شاهنامه داوری تکرار شده است. آخرین نگاره مورد بحث در این تحقیق، مجلس مؤید بیشتر این ادعاست که آقا کتاب شاهنامه داوری متأثر از دومین سنگی بوده است.

بیشترین تفاوت این مجلس در شاهنامه داوری (تصویر ۹) و شاهنامه چاپی (تصویر ۱۰) در جهت قرار گیری عناصر تصویر است، بدین گونه که موقعیت عناصر در نگاره شاهنامه داوری بر عکس نگاره شاهنامه چاپی است. دیگر اینکه لطفعلی صورتگر از پیکره‌های بیشتری برای ساختن این مجلس استفاده کرده و در حقیقت با اضافه کردن چند پیکره فرعی و در نهایت ایجاد تغییراتی در پس زمینه و جزئیات و پوشش‌ها این نگاره را نقاشی کرده است.

ترکیب بندی و حالت و طراحی عناصر اصلی که شامل بهرام گور، گلندام، اسب‌ها و چند آهو است در نگاره شاهنامه داوری دقیقاً مشابه همین مجلس در نگاره شاهنامه چاپ ۱۲۶۶ هجری قمری است.

از شواهد عرضه شده در این تحقیق چنین می‌توان استنباط کرد که اگرچه شاهنامه داوری به شیوه‌ای کاملاً سنتی استنتاج شده اما متأثر از شیوه‌ای است که به واسطه تکنیک چاپ سنگی در ایران رواج یافت و این امر نشان دهنده تأثیری است که صنعت چاپ بر ادامه حیات سنت رو به زوال نقاشی و کتاب آرایی داشت.

پی نوشت

- ۱- هاشمی دهکردی، حسین، «چاپ سنگی، حیات تازه‌ای در کتابت»، فصلنامه هنر، شماره ۷، زمستان ۱۳۶۳، ص ۹۱
- ۲- غضنابوری، جاسم، آغداشلو، آیدین، آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، سازمان میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۶
- ۳- مارزلف، اولریش، آلبوم شاهنامه: تصویب‌های چاپ سنگی شاهنامه فردوسی، نویسنده متن: محمد هادی محمدی، تهران، چپستا، ۱۳۸۴.

۴- آقا لطفعلی صورتگر شیرازی، ص ۴۳

۵- پیشین

۶- پیشین.